



تربییون در اختیار برخی قرار می‌دهیم، پشت همان تربییون می‌گویند صداوسیما نظر ما را پخش نمی‌کند!

16 ماه از دور جدید فعالیت‌های رسانه ملی و ریاست دکتر سرافراز می‌گذرد و بدیهی است ریاست بر سازمانی که کسوت رسانه ملی را به تن دارد و به‌عنوان یک ابر رسانه و رسانه محل رجوع میلیون‌ها ایرانی است، بسیار متفاوت با دیگر سازمان‌ها و نهادهای کشور است.

16 ماه از دور جدید فعالیت‌های رسانه ملی و ریاست دکتر سرافراز می‌گذرد و بدیهی است ریاست بر سازمانی که کسوت رسانه ملی را به تن دارد و به‌عنوان یک ابر رسانه و رسانه محل رجوع میلیون‌ها ایرانی است، بسیار متفاوت با دیگر سازمان‌ها و نهادهای کشور است.

طبیعی است در تغییر مدیریتی رسانه ملی با یک تغییر و جابه‌جایی ساده مدیریتی روبه‌رو نیستیم، بلکه با یک جریان و گفتمان تازه مواجه‌ایم که از دید تک‌تک مخاطبان مورد نقد و سنجش قرار می‌گیرد، خاصه این‌که رئیس جدید رسانه ملی از تغییر و تحولات تازه‌ای سخن گفته باشد که قرار است رسانه ملی را در تراز رسانه جهانی قرار دهد. انتظار طیف عظیمی از مخاطبان این رسانه فراگیر و ملی برای تغییر در محتوا، فرم و عملکرد سازمان صداوسیما از یک‌سو و مقابله با کارشکنی‌ها و بحران‌های مختلف بویژه مالی از سوی دیگر سالی سخت را برای رئیس جدید صداوسیما رقم زد.

در روزهای پایانی سال خبرنگار روابط عمومی سازمان صدا و سیما با رئیس رسانه ملی گفت‌وگویی صمیمانه داشته که مشروح آن در پی می‌آید.

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که رسانه ملی در سال‌های اخیر با آن مواجه بوده، بحران مالی و کسری بودجه است که بارها از زبان جناب‌عالی و دیگر مدیران مطرح شده است که تأثیرات این بحران بر مناسبات تولید و حتی وضعیت حقوقی کارمندان سازمان نیز قابل ردیابی است. جناب‌عالی دلایل و ریشه‌های این بحران مالی را در چه می‌بینید؟

به نظرم کسری بودجه سازمان دو دلیل عمده دارد؛ یکی نگاه دولت به رسانه ملی است به این معنی که معمولا دولت‌ها گمان می‌کنند رسانه ملی یک مجموعه جدا و مستقل از آنهاست که نیازهای دولت‌ها را به شکل واقعی و مطلوب برآورده نمی‌کند، البته این نگرش و مواجهه دولت با رسانه ملی، همواره افت و خیزهایی داشته و به یک شکل واحد نبوده است.

در مدت بیش از 20 سالی که در سازمان صداوسیما مشغول فعالیت هستم، چهار رئیس‌جمهور را درک و تجربه کردم و در واقع با چهار نوع دولت سروکار داشتم، اما به‌نظرم دولت فعلی، هم توقعاتش از صداوسیما نسبت به دولت‌های قبلی بیشتر است و هم نگاهش به بودجه سازمان، انقباضی و محدودتر از دولت‌های قبلی است. از همان روزهای اولی که مسئولیت سازمان را به‌عهده گرفتم، سعی کردم به‌دلیل مصالح نظام با دولت همراهی و کمک کنیم وظایفش را بدرستی انجام دهد. رسانه ملی در این زمینه تلاش بسیار زیادی کرد و موفقیت‌های خوبی هم به‌دست آورد، حتی در دوره جدید تلاش شد تا حجم بالایی از برنامه‌های زنده برای بازتاب عملکرد دولت طراحی و اختصاص یابد و حتی برای کسانی مثل سخنگوی دولت، تربییون زنده هم فراهم شد که اینها در گذشته سابقه نداشته است.

مثلا اگر آمار سال 94 را با سال‌های قبل از آن مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم در این دوره، سازمان امکان و فرصت تربییون به رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت را بیشتر داده است، ولی مشاهده می‌شود هر چقدر که رسانه ملی، زمان و تربییون بیشتری در اختیار دولت قرار می‌دهد، برخی از اعضای هیات دولت توقعات بیشتری از رسانه ملی را مطرح می‌کنند و بعضا به‌گونه‌ای رفتار می‌شود که گویی بودجه صداوسیما در گرو آنهاست که خب این روش درستی نیست و فشار زیادی را به صداوسیما وارد کرده است.

دلیل دوم به‌خاطر کمک‌هایی بود که از سوی دولت قبل به صداوسیما می‌شد که در بودجه صداوسیما منظور نمی‌شد، لذا هیچ‌وقت آمار و رقم بودجه صداوسیما به شکل واقعی نبود. مثلا قبل از سال 92 مخارج سازمان 2700 میلیارد تومان بود که سازمان حدود 2500 میلیارد تومان هزینه کرد در حالی که بودجه مصوب صداوسیما شامل کمک دولت و درآمدهای سازمان حدود 1800 میلیارد تومان بود، این هم یکی از مشکلات سازمان بود. دولت فعلی هم قول داد برای سال آینده، بودجه صداوسیما را واقعی ببیند که متأسفانه این کار را نکرد. این دو دلیل عمده است که موجب فشار مالی بر سازمان صداوسیما شد.

آقای دکتر درباره تاثیرات این کسری بودجه بر وظایف ذاتی رسانه توضیح دهید، این که این بحران مالی چه اندازه به عنوان عامل بازدارنده بر عملکرد و انجام وظایف رسانه ملی تاثیرگذار است؟

وقتی یک سازمان رسانه‌ای مانند صداوسیما، با کسری بودجه و کمبود منابع مالی مواجه می‌شود، طبعاً نمی‌تواند آن مقداری که لازم و مطلوب است تولیدات داشته باشد که این افت هم جنبه کیفی خواهد داشت و هم کمی. البته تلاش شد این اتفاق نیفتد. این را هم در نظر بگیرید که با انبوهی از رسانه‌های متخاصم و مخالف با صداوسیما نیز مواجه هستیم که در تلاشند از اعتبار رسانه ملی کم کنند، اما خوشبختانه علی‌رغم مشکلات مالی و فشارهای درونی و بیرونی، تلاش شد تا اعتبار رسانه ملی حفظ شود و ضمن این که در مقطعی یا مواردی مثلاً در برخی شبکه‌ها یا برنامه‌ها، بر این اعتبار افزوده شد که خوشبختانه با افزایش مخاطب هم روبه‌رو شدیم. بی‌شک اگر با مشکلات مالی مواجه نباشیم و بتوانیم نیازهای مالی سازمان را در ابعاد مختلف تولید محتوا و فنی برطرف سازیم، آینده‌ای به مراتب بهتر را برای رسانه ملی شاهد خواهیم بود. رسانه‌ای که خواهد توانست گوی سبقت را از رقبای خود در حوزه‌های تولید و نیز محتوا برآید و امواج شبکه‌های ماهواره‌ای را کم فروغ سازد.

اخیراً شاهد برخی از اخبار ضد و نقیض در رسانه‌ها و بعضاً افکار عمومی درباره افزایش بودجه صداوسیما و کمک دولت به سازمان هستیم، مثلاً برخی از افزایش 35 درصدی بودجه صداوسیما در سال آینده سخن گفته‌اند، این در حالی است که مسئولان رسانه ملی از افزایش ناچیز این بودجه می‌گویند. پاسخ روشن جنابعالی درباره این اخبار و آمار متناقض چیست؟

به نظرم مدارک و دلایل روشنی وجود دارد و می‌توان با رجوع به عدد و رقم‌های آماری، میزان واقعی افزایش بودجه را اثبات کرد. واقعیت این است که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بودجه جاری صداوسیما را برای سال آینده حدود 8 درصد اضافه کرده و این در حالی است که دولت اعلام کرده برای افزایش حقوق و مزایای کارکنان دستگاه‌های دولتی باید تا 12 درصد افزایش حقوق در نظر گرفته شود. با فرض این که کمکی که دولت می‌کند صرفاً برای تامین و ترمیم حقوق کارکنان باشد، باز هم 4 درصد کمتر از مصوبه دولت است و من بارها اعلام کردم این افزایش 8 درصدی، کفاف تامین حقوق کارکنان و بازنشسته‌های سازمان را هم نمی‌دهد و ما باید مبلغی به آن اضافه کنیم تا فقط بتوانیم حقوق را پرداخت کنیم، کسری بودجه در حوزه برنامه سازی که جای خود دارد. نکته دیگر این که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به شکل یکطرفه و در اتاق‌های دربسته، تصمیم گرفته که درآمدهای بازرگانی صداوسیما را بشدت افزایش بدهد که هم در سال گذشته و هم امسال این اتفاق افتاده است. در واقع وقتی می‌گویند بودجه اضافه شده، به این معنی است که ما را مکلف کردند که مدام درآمدمان را از طریق آگهی‌ها بالا ببریم. از سوی دیگر، دولت در حالی که خودش در حالت رکود به سر می‌برد و بسیاری از پروژه‌ها تعطیل و نیمه‌تعطیل یا متوقف است، سازمان صداوسیما مکلف به افزایش درآمد می‌شود. در واقع سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌تواند درآمد سازمان را 300 درصد اضافه کند و با کمک مالی خودش جمع بزند بعداً اعلام کند که بودجه صداوسیما مثلاً 200 درصد اضافه شده است! خب این یک محاسبه غیرمنطقی و غیرواقعی است که متأسفانه دو سال است که دارد اتفاق می‌افتد. در قسمت تملک دارایی‌ها نیز امسال تنها یک سوم آنچه در مجلس تصویب شده، به صداوسیما پرداخت شده است. این در حالی است که رسانه ملی در دوران گذار از تکنولوژی آنالوگ به دیجیتال و توسعه انواع تجهیزات دیجیتال مثل فرستنده‌ها و تبدیل آن به شبکه‌ها از پخش معمولی به پخش HD قرار دارد و برای طی کردن این دوران گذار به بودجه‌های عمرانی کلانی نیاز دارد. همچنین تکمیل ارسال سیگنال‌های تلویزیونی از طریق فیبر نوری و مواردی دیگر از این قبیل، سازمان را مکلف به توسعه زیرساخت‌های مهمی می‌کند و اهل فن نیز بر ضرورت این تغییرات فنی اذعان دارند ولی متأسفانه در این بخش شاهد کاهش بودجه برای سال آینده هستیم. البته من باور دارم این مشکلات در مجلس و با همکاری نمایندگان دلسوز حل خواهد شد و مجلس کاملاً مطلع است و درک می‌کند که باید پوشش فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی کامل شود و تجهیزات دیجیتالی جدید نصب گردد تا امکان بهره‌برداری بهتری فراهم شود. سازمان باید به سمت استقلال بیشتر در حوزه ماهواره و سیگنال‌رسانی برود که همه اینها نیاز رسانه ملی به بودجه عمومی را ضروری می‌سازد.

صداوسیما منتقدانی دارد که او را به جانبداری سیاسی متهم می‌کنند که طبق بررسی‌های روابط عمومی سازمان اکثر این انتقادات ناظر به عملکرد رسانه ملی نسبت به موضوع برجام و توافق هسته‌ای بوده‌است. شما چه پاسخی در دفاع از عملکرد رسانه ملی نسبت به این انتقادات دارید؟

بخشی از نقدهای وارده به عملکرد رسانه بر مبنای طرحی از پیش تعیین شده برای فشار روانی - تبلیغاتی انجام می‌شود که ما آن را واقعی و صادقانه نمی‌دانیم. در زمینه برجام هم همین‌طور بوده است. قبلاً هم توضیح دادیم که سازمان در مقطعی و به شکل یکطرفه دیدگاه هیأت مذاکره کننده را مطرح می‌کرد. اما از مقطعی که آمریکایی‌ها شروع به موضعگیری منفی و فضا سازی درباره برجام کردند، صداوسیما نیز دیدگاه‌های انتقادی را پخش کرد. بخصوص این که مقام معظم رهبری توصیه‌هایی به هیأت مذاکره کننده داشتند و نسبت به طرف آمریکایی ابراز بی‌اعتمادی کردند، که خب ما وظیفه داشتیم آن را تبیین کنیم. ولی عمده انتقادهای مطرح شده در صداوسیما درخصوص دیدگاه‌ها و موضعی بود که از سوی طرف غربی و آمریکایی اعلام می‌شد، منتقدان ما اصرار داشتند که فقط حرف‌ها و مواضع تیم مذاکره کننده پخش شود و به هیچ وجه حرف منتقدان غربی و داخلی

پخش نشود که ما آن را قبول نداشتیم و هیچ وقت زیر بار آن هم نرفتیم. امروز درستی این سیاست و شیوه‌ای که رسانه ملی در پیش گرفته بود، بر همگان روشن است برای این که طرف‌های آمریکایی نشان دادند که واقعا قابل اعتماد نیستند و به همه تعهداتشان عمل نمی‌کنند.

در واقع بیشتر در پی ایجاد دوگانگی و دوقطبی کردن جامعه ایران از طریق این اهرم‌ها هستند.

به جای این که به تعهدات خود عمل کنند به دنبال تخریب و شکاف بین نیروهای سیاسی در داخل هستند. از سوی دیگر تاکید می‌کنم که صداوسیما یک رسانه ملی و فراگیر است که مواضع فرا حزبی و فرا جناحی دارد. مثلا در پخش اخبار یا برنامه‌های گفت‌وگو محور همیشه تاکید داریم که وقتی پای انتقاد از یک نهاد و سازمانی مطرح است، صاحب و متولی آن باید وارد گفت‌وگو شود و نظرش را مطرح کند تا یک فضای دوطرفه در اخبار و مباحثه‌ها حاکم شود. البته من به هیچ وجه مدعی نیستم که در این زمینه هیچ اشتباه و خطایی صورت نگرفته و همه اخبار و گزارش‌ها و برنامه‌های ما جانب عدالت و دوسویه بودن را رعایت کرده، اما سیاست کلی ما در رسانه ملی بر بسترسازی عادلانه است. این را هم بگویم که اکثر وزرا و مسئولانی که من می‌شناسم و در جریان دیدگاه آنها هستم، نگاه و موضع منصفانه‌ای نسبت به عملکرد صداوسیما دارند و در هر مورد اگر سیاست و برنامه‌ای داشتند، صداوسیما با آنها همکاری و همراهی داشته است.

اما برخی که در بیرون از دولت قرار دارند و مشاور هستند، نظرات تندی علیه صداوسیما ابراز می‌کنند.

به عنوان مثال باید گفت صداوسیما تربیون در اختیار این افراد قرار می‌دهد و او پشت همان تربیون نیز می‌گوید که صداوسیما نظر ما را پخش نمی‌کند! خب کسی که منصف باشد متوجه می‌شود که این گونه نقدها از سر بی‌انصافی و بی‌اخلاقی است و از سوی دیگر بیانگر این موضوع است که صداوسیما تربیون در اختیار منتقدان خود نیز قرار می‌دهد.

در برخی از رسانه‌ها تحلیل‌هایی از این دست ارائه می‌شود که به دلیل افزایش ممنوع‌التصویر یا ممنوع‌الکار شدن برخی هنرمندان، آنها جذب شبکه‌های ماهواره‌ای می‌شوند، البته چنین مطالبی بیش از آن که تحلیل باشد به شایعه نزدیک است، ولی خواستم از زبان شما مرز بین این شایعه و واقعیت را بشنوم. این که اگر فردی ممنوع‌التصویر است، رسانه ملی تا چه اندازه در آن نقش داشته و دارد؟

سیاست سازمان نسبت به هنرمندان جذب حداکثری است و ان شاء الله در سال آینده ساماندهی جدیدی در این زمینه خواهیم داشت. اولاً من به مسئولان مربوطه تاکید کردم تا همه هنرمندان بویژه هنرمندانی که از سال‌های گذشته با سازمان همکاری داشتند و قبل از بحران مالی از صداوسیما طلبکار بودند، شناسایی و به امورشان رسیدگی شود و طلب‌های آنها پرداخت شود.

درخصوص مرادوات با هنرمندان نیز یک سری روش‌های جدید را در دست بررسی داریم که وقتی به نتیجه رسید، اعلام خواهیم کرد. باورمان بر این است که باید فضا را به گونه‌ای آماده ساخت که هنرمندان بتوانند در آن و براساس معیارهای جامعه فعالیت کنند. این خبرسازی‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها نیز بیشتر از سوی سایت‌ها و رسانه‌های بیرونی مطرح می‌شود که خیلی از مطالب آنها واقعی نیست. این را هم بگویم وقتی که مسئولیت رسانه را پذیرفتم، با لیست بلندی از افراد ممنوع‌التصویر مواجه بودم که از سوی دستگاه‌های خارج از صداوسیما توصیه شده بود که آنها در برنامه‌ها حضور پیدا نکنند. بنابراین جلساتی در این موارد گذاشتیم و پرونده‌ها را بررسی کردیم که متوجه شدم برخی از آنها ایراد دارد، لذا دستور پیگیری دادم که نظرات دستگاه‌هایی که این احکام را صادر کردند، به شکل مکتوب و رسمی گرفته شود تا نسبتش با صداوسیما مشخص شود و آنها باید مسئولیت نظر خود را بپذیرند. خوشبختانه امروز خیلی از این مشکلات حل شده و ما روابط کاری و دوستانه خوبی با این هنرمندان داریم، هرچند صداوسیما پایبند به ضوابط و شرایط قانونی در این زمینه است و آن را گوشزد می‌کند و اگر کسانی بخواهند معیارها و ضوابط را رعایت نکنند و از چارچوب‌ها خارج شوند، طبقا سازمان اعمال نظر خواهد کرد.

از جمله نقدهایی که به عملکرد صداوسیما می‌شود، مربوط به تعدد شبکه‌های تازه تاسیس است که برخی آن را صرفا یک رشد کمی دانسته که موجب افت کیفی برنامه‌ها و بالطبع کاهش مخاطب شده است. نظر جنابعالی نسبت به این انتقاد چیست؟

بنده قبل از این که به عنوان مدیریت رسانه ملی قبول مسئولیت کنم، همواره بر این نکته تاکید داشتم که اگر یک شبکه جدید می‌خواهد راه بیفتد باید زیرساخت‌های فنی، نیروی انسانی متخصص و کارشناس و پاسخ به این سوال که راه‌اندازی یک شبکه چقدر می‌تواند خلایی را پر کند، انجام شود و از سوی دیگر منابع مالی آن نیز تامین و بعد اقدام به راه‌اندازی و تاسیس شبکه شود. به نظرم در یک مقطعی به دلیل نگرانی‌هایی که از گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای احساس می‌شد، تاسیس این شبکه‌ها با شتابزدگی انجام گرفت که همه این ملاحظات در آن رعایت نشده بود. به همین دلیل ما سعی کردیم شبکه‌هایی را که مأموریت‌های مشابهی دارند، با هم ادغام کنیم تا بتوانیم از این ظرفیت‌ها بهتر و بهینه‌تر استفاده کنیم و اگر قرار بر تاسیس

شبکه جدید است، حتما باید این ملاحظات را در نظر بگیریم. درواقع برای راهاندازی شبکه جدید چهار اصل باید رعایت شود: 1- نیروی انسانی ماهر و کارآمد 2- زیرساخت فنی و تجهیزات لازم 3- مأموریت مشخص و محدود برای شبکه 4- بودجه لازم. برخی به شبکه تهران اشاره می‌کنند که در این دوره راهاندازی شده است، باید بگویم این شبکه همان شبکه HD است که به دلیل وسعت و اهمیت استان تهران تبدیل به شبکه تهران شده است. در واقع سعی کردیم قبل از انتخابات 7 اسفند این شبکه را راهاندازی و خلا آن را پر کنیم. این را هم بگویم شبکه‌هایی که مأموریت‌های مشابه و مخاطب کم دارند، در ارزیابی‌های سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرند و در صورت لزوم ادغام خواهند شد.

با توجه به شرایط مالی سازمان و برخی مشکلات در حوزه تولید محتوا، ارزیابی خود را از نیروی انسانی و نیز وضعیت حقوق کارکنان بفرمایید. به اقداماتی که در مسیر بهبود این وضعیت انجام شده نیز اشاره بفرمایید.

شاید برخی از نیروهای انسانی سازمان توانمندی لازم را نداشته باشند، مثل بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دیگر که باید کمک کرد تا ظرفیت‌ها و استعدادهای آنها بالفعل و شکوفا شود، اما صداوسیما اتفاقاً از جمله نهادهایی است که از حضور نیروهای باسواد و خلاق و صاحب‌ذوق بهره می‌برد که بخشی از آن را در تولید برنامه‌های پرمخاطب شاهد هستیم.

در ارتباط با حجم بودن سازمان و تعداد بالای نیروی انسانی این یک حقیقت است و صداوسیما یکی از پرکارمندترین نهادهاست، اما از حیث بودجه و نظام حقوقی از دو سال پیش 70 درصد و از امسال هم 14 درصد حقوق‌ها اضافه شده است. امسال نیز علی‌رغم تمام مشکلات بودجه‌ای، هر ماه پیش از ورود به ماه جدید حقوق‌ها پرداخت شده است، از جمله در هفته سوم اسفند که حقوق، معوقات و پاداش کارکنان پرداخت شده و این به خاطر تدبیری بوده که سازمان اندیشیده و نگذاشته است، حوزه تولید و برنامه‌سازی و حوزه حقوق و دستمزد آسیب ببیند یا حتی با یک روز تأخیر پرداخت شود. این نکته را هم توضیح دهم، وقتی دولت حاضر نیست در حد نیاز ضروری به سازمان کمک کند و به حداقل قناعت می‌کند، سازمان به این فکر می‌افتد که درآمدش را اضافه کند. من همیشه این مثال را زدم که کمک دولت به صداوسیما به اندازه هزینه ایجاد 11 کیلومتر از اتوبان تهران - شمال است که هنوز به پایان نرسیده است. درواقع کل کمک دولت به صداوسیما در یک سال با توجه به ارزش فرهنگی آن و این همه توقعی که از آن وجود دارد و هزینه‌های بالا در تولید برنامه، خرید تجهیزات ماهواره‌ای و خرید برنامه‌های ورزشی در جام جهانی و المپیک و تامین مالی دفاتر خارج از کشور و هزاران هزینه ریز و درشت دیگر به اندازه احداث 11 کیلومتر از اتوبان تهران - شمال است. لذا تلاش کردیم از طریق درآمدزایی و مزایده آگهی تبلیغاتی و بازرگانی این کسری را تامین کنیم.

البته برخی این اشکال را مطرح کرده‌اند که با این کار، سازمان آنتن خود را در بخش بازرگانی فروخته است؛ درحالی که هیچ اتفاقی نمی‌افتد، چه الان و چه زمانی که گروهی مزایده را برنده شوند، صداوسیما طبق ضوابط خودش آنها را بازبینی می‌کند و براساس بازبینی و ضوابط خود اجازه پخش به آگهی‌ها را خواهد داد و اگر نیاز به اصلاح باشد، اعلام می‌شود که اصلاح کنند. از طرف دیگر بارها رئیس‌جمهور محترم اعلام کرده‌اند که صداوسیما باید از طریق درآمدزایی، خودش را اداره کند و لذا ما هم مزایده آگهی‌ها را برگزار کردیم تا از طریق قانونی کسب درآمد کنیم، اما عواملی از درون دولت در بانک توسعه تعاون مانع آن شدند و نگذاشتند این اتفاق بیفتد. با این حال و با وجود همه این موانع، سازمان از طریق تغییر مقررات داخلی خود برای کسب درآمدهای بازرگانی وارد عمل شد و توانست در یک فرصت کوتاه از اول اسفند درآمدهای لازم را کسب و بسیاری از معوقات خود را پرداخت کند و روی پای خود بایستد و اهداف و سیاست‌های اصولی خود را ادامه دهد.

به عنوان آخرین سوال، در مورد برنامه‌های نوروزی سال 95 توضیحاتی بفرمایید.

برنامه‌های نوروزی ما به این شکل است که برخی از آنها قبل از تحویل سال به شکل ویژه شروع می‌شود که حداقل شامل سه سریال جدید ایرانی است که از شبکه‌های یک، دو و سه پخش می‌شوند. بعضی از آنها روایت و قصه‌ای طنز دارند. بخشی از برنامه‌های نوروزی ویژه برنامه‌های تحویل سال است که بازهم از سه شبکه یک، دو و سه از ساعت 10-11 شب شنبه یعنی یک روز قبل از سال جدید شروع خواهند شد و تا بعد از تحویل سال ادامه دارند که با حضور مجریان شناخته شده و توانمند تلویزیون روی آنتن می‌روند و هرکدام مهمانان و برنامه‌های ویژه‌ای دارند. در بخش‌های نمایشی، فیلم‌های خارجی و روز دنیا که تولیدات سال گذشته میلادی است و فیلم‌های مطرحی بوده که قابلیت پخش دارند، خریداری و دوبله شده و ان‌شاءالله در ایام نوروز از شبکه‌های مختلف سیما پخش می‌شوند. چند برنامه ترکیبی جدید نیز تدارک دیده شده که بعضی از آنها قبل از سال شروع شده مثل برنامه «سه ستاره» شبکه سه با اجرای آقای احسان علیخانی که مردم و مخاطبان از طریق نظرسنجی و رای‌گیری، بهترین برنامه‌های سال گذشته تلویزیون را انتخاب می‌کنند. همچنین مسابقه‌های متنوعی تدارک دیده شده که برخی از قبل پخش می‌شده، اما به شکل ویژه در نوروز ارائه می‌شوند و برخی نیز برنامه‌های جدید هستند که برای اولین بار پخش خواهند شد. برای مخاطب کودک و نوجوان نیز برنامه‌های جدید و ویژه عید نوروز در نظر گرفته شده که در این ایام پخش خواهد شد. شبکه مستند نیز با یک‌سری برنامه ویژه و جذاب به استقبال نوروز خواهد رفت. همچنین این شبکه قرار است به

شکل HD در ایام نوروز به پخش برنامه‌های خود بپردازد و مردم می‌توانند برنامه‌های ویژه این شبکه را با کیفیت تصویری بالایی مشاهده کنند. سری جدید برنامه خندوانه نیز قبل از سال جدید هر شب از شبکه نسیم روی آنتن خواهد رفت؛ البته برنامه خندوانه پنج شب در هفته پخش خواهد شد و روزهای پنجشنبه و جمعه به جای آن، برنامه دورهمی به کارگردانی مهران مدیری پخش می‌شود.